



دشواری‌های پژوهش در رباعیات فارسی با تأکید بر رباعیات بابا افضل

رضا روحانی*

چکیده:

بابا افضل‌الدین مرقی کاشانی از روزگاران قدیم تا امروز علاوه بر حکمت و نویسندگی به شاعری و به‌ویژه رباعی‌سرایی نیز شهرت داشته و نامدار بوده است؛ اما هم از تعداد اشعار او اطمینانی نداریم و هم از صحت انتسابشان، زیرا بسیاری از رباعیات او در دیوان و دفتر دیگر حکما و شعرا وجود دارد، و بسیاری از اشعار دیگران نیز به نام او ثبت افتاده است. این دشواری، مختص اشعار بابا افضل نیست، و در رباعیات بازگفته در قرن پنجم و شش و هفت هجری که دوره اوج رباعی‌سرایی است، غالباً این اشکال دیده می‌شود که برخی از رباعیات به چند شاعر بازخوانده شده و یا گوینده‌شان نامشخص است، و یا نسخ قدیمی و نزدیک به روزگار شاعر تقریباً وجود ندارد؛ اما دشواری‌هایی نیز از جنبه نظری و تاریخی و شخصی و مرامی می‌توان معرفی کرد که مختص بابا افضل باشد و موجب شده باشد که اعتماد کمتری به رباعیاتش صورت گیرد.

این دشواری‌های موجب می‌گردد که هر نوع پژوهشی در افکار و آثار و زندگی بابا افضل، از اصالت و اعتبار لازم علمی برخوردار نباشد و بنایی بر آب فرض گردد. با این

* دانشیار دانشگاه کاشان / r.ruhani@kashanu.ac.ir

حال، نگارنده در مقال حاضر، ضمن معرفی مشکلات مختلف نظری و عملی پژوهش در اشعار بابا افضل، به ارائه پیشنهادهایی نیز می‌پردازد که در حال یا آینده ممکن است برخی از مشکلات این نوع پژوهش را کم کند یا مرتفع سازد.

کلیدواژه‌ها:

بابا افضل کاشانی، رباعیات بابا افضل، دشواری پژوهش.

درآمد

رباعی از قوالب زیبا، کهن و ظاهراً منحصر به فرد شعر فارسی است، که از نخستین ادوار شعر فارسی تا روزگار حاضر، غالباً مورد عنایت شاعران ما قرار گرفته است.¹ اما، برخلاف سایر قوالب، دربارهٔ صحت صدور یا انتساب بسیاری از رباعیات مشهور و کهن شعر فارسی با اطمینان زیاد و قطعیت علمی نمی‌توان سخن گفت و داوری کرد. به عبارت دیگر، تحقیق دربارهٔ رباعیات مسلم‌الصدور از شاعران دوره‌های میانه، دشواری‌های بسیاری دارد که حتی برخی حل ناشدنی یا ناممکن می‌کند.

از قضا این دشواری بیشتر در رباعیاتی جلوه دارد که خوانندهٔ عام از روی کنجکاوی و آگاهی و اشتیاق مایل است گوینده‌اش را بشناسد و احیاناً به سراغ دیگر اشعار و افکار گوینده‌اش برود، و خوانندهٔ خاص نیز علاوه بر آن اشتیاق و اطلاع، مایل و بلکه مصر است با شناخت گوینده، مبنایی استوار برای تحقیق در احوال و اقوال و زندگی او بیابد و خود و دیگران را از سرگردانی و تشویش و تردید برهاند.

دربارهٔ رباعی و رباعیات سرگردان و مشهوری که گویندهٔ مسلم یا مشخصی ندارد و به رباعیات مشاع یا سرگردان یا آواره شهرت دارد² و غالباً به بیش از یک سراینده منتسب است، بحث‌های مختلفی در بین اهل نظر وجود دارد، واضح است که «شناختن سرایندهٔ اصلی، کمک بزرگی در جهت صحت قضاوت‌های

دشواری‌های پژوهش
در رباعیات فارسی
با تأکید بر رباعیات
بابا افضل

ادبی و تاریخ ادبیات فارسی خواهد بود» (سیر رباعی در شعر فارسی، ص 165)،
و مقدمه و محمل مباحث مختلف در حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی
تواند بود و اگر محقق و منتقدی به نسخ معتبر اثری دسترسی نداشته و آفریننده
اصلی‌اش را نشناسد «هر حکم و قضاوتی که در باب اثر کند کم‌ارج و بی‌اعتبار
خواهد بود و بحث و نقد او به منزله حرکت و سعی کسی است که بر روی شن
و ماسه نرم و لغزان قدم بر می‌دارد» (تاریخ در ترازو، ص 142) و در این صورت
نمی‌توان از آن به عنوان یک شاهد استفاده کرد (همان، ص 153) مگر با تردید و
احتمال که محقق و مخاطب را قانع نخواهد کرد، اما به تعبیر بعضی از اهل
تحقیق «بحث در این مورد بسیار دشوار و وقت‌گیر و مستلزم تفحصی کامل و
مفصل است و پی بردن به این معنی، امری دشوار و در پاره‌ای از موارد نزدیک به
محال است.» (سیر رباعی در شعر فارسی، ص 165؛ نیز ر.ک: دیوان رباعیات
اوحدالدین کرمانی، ص 33)

غالب این رباعیات نیز از نظر تاریخی هم‌عصرند، یعنی در قرن‌های ششم و
هفتم (عصر سلجوقی و خوارزمشاهی) سروده شده‌اند، دوره‌ای که آن را می‌توان
«عصر رباعی» در تاریخ شعر فارسی نامید.³ با این همه، اهل تحقیق درباره علت
اختلاف نظرها و تعدد انتساب‌ها و عوامل ایجاد این مشکلات بحث مستقلی
نکرده‌اند، هرچند، آراییی از لابلائی کتاب‌ها قابل استخراج است که نگارنده ضمن
بحث خود، از مهم‌ترین آن‌ها استفاده می‌کند.

نگارنده برای روشمند شدن بحث، ترجیح می‌دهد که دشواری‌های تحقیق در
رباعیات را که غالب آن‌ها شامل رباعیات منسوب به بابا افضل نیز می‌شود، در
سه دسته یا سه رویکرد مشخص انتقادی-مخاطب‌محور، گوینده‌محور و
متن‌محور-تقسیم‌بندی و تبیین کند، و در نهایت با اشاره مخصوص به رباعیات
بابا افضل به جمع‌بندی مباحث پردازد و برای جلوگیری از درازسخنی،
بحث‌های مفصل مربوط به برون‌رفت از این دشواری‌ها را به مقالی دیگر باز
گذارد.

دشواری‌های پژوهش در رباعیات سرگردان و مشهور فارسی

الف. دشواری‌های مخاطب‌محور

برخی از دشواری‌های پژوهش در رباعیات به مخاطبان آن‌ها بر می‌گردد، این مخاطبان هم شامل مخاطبان عام یعنی مردم عادی می‌شود و هم مخاطبان خاص که شامل کاتبان و فاضلان و محققان قدیم، و پژوهشگران و نویسندگان معاصر می‌گردد.

این دشواری‌ها نیز گاه از خاستگاه و انگیزه‌ای شخصی، بر می‌خیزد و گاه نیز خاستگاه یا عاملی اجتماعی و سیاسی یا حتی حزبی و مذهبی دارد.

رباعی شاید مردمی‌ترین و در نتیجه مخاطب‌محورترین شعر قدیم به شمار آید، «قصیده شعر رسمی و دیوانی بود،... پس از آنکه در یک آیین رسمی خوانده می‌شد، در خزانه امیر و دیوان شاعر ضبط می‌گردید، ... اما رباعی در گنجینه سینه‌ها و بر سر زبان‌ها جای داشت، در وجد و حال صوفیان، و در بزم شوق درمندان، و بر لب‌های صاحب‌دلان در سیر و گشت بود. سینه به سینه می‌گردید و می‌چرخید، و غالباً نام گوینده را هم همراه نداشت... و این خود ملاک ساده و روشنی برای تشخیص لطف و زیبایی یک رباعی، و نشانه قطعی برای شهرت و رواج و مردمی بودن آن رباعی است؛ و این می‌رساند که شعر به خاطر لطف و جوهر شعری خودش مانده، و سرنوشت جاودانگی یافته، نه به خاطر نام و یاد گوینده‌اش. ترانه‌های خوب، این شاه‌دان جادویی خیال، مورد ستایش صاحب‌دلان و در سیر و گشت آفاق و انفس بودند. هر کس رباعی مورد علاقه خود را به شاعر مورد علاقه خود می‌بست.» (نزهة المجالس، ص 55، نیز ر.ک: همان، ص 48)

این علایق و سلیق متعدد مردم که شامل فرهیختگان‌شان نیز می‌شد، عامل بسیار مهمی در اختلاف انتساب‌ها و حتی خلق و جعل آثار یا نابودی آن‌ها می‌توانست به شمار آید. استاد زرین‌کوب تأثیر آرا و عقاید دینی را عامل مهمی در وضع و انتقال‌ها معرفی می‌کند. (آشنایی با نقد ادبی، ص 138) این منتقد و مورخ ارجمند می‌نویسد: «در بسیاری موارد کتاب و نسخا به پیروی از عواطف

دشواری‌های پژوهش
در رباعیات فارسی
با تأکید بر رباعیات
بابا افضل

دینی خویش اشعاری جعل کرده‌اند و به کتب و دواوین شاعران متقدم الحاق نموده‌اند، تا به عقیده خود آن‌ها را به فرقه و مذهب خویش منسوب نمایند.» (همان‌جا)⁴ و به تعبیر استاد شفیع کدکنی «همین که انسانی در گوشه‌ای از این سرزمین، به گونه‌ای تشخیص یافته باشد که بتواند، از رهگذری، توجه جمعی از مردم و یا تمامی ایشان را به خود جلب کند، مردم در مسیر زمان از او، همان چیزی را خواهند ساخت که دلخواه ایشان است و کاری به آن ندارند که او خود چه گونه می‌اندیشیده، و چه می‌خواسته است.» (نقش ایدئولوژیک نسخه بدل‌ها، ص 93)

از دیدگاه ایشان، وجه ایدئولوژیک کار در نسخه‌بدل‌ها بسیار برجسته و قابل اهمیت است تا حدی که عامل از میان رفتن نسخه‌های کهن بسیاری از متون دینی و مذهبی، همیشه، حوادث طبیعی از قبیل سیل و آتش‌سوزی و... نیست بلکه گاه «متولیان تحولات ایدئولوژیک جامعه آن نسخه‌های کهن را، عالم‌اً عامداً از بین برده‌اند تا هیچ کس در اصالت تحولات ایدئولوژیک مذهب تردید نکند.» (همان، ص 107) ایشان اضافه می‌کنند: «در دنیای قدیم که غالباً چند نسخه‌ای بیشتر از یک کتاب وجود نداشته است، توفیق در این راه کار دشواری نبوده است، به‌ویژه که این عمل "قربة الی الله" باشد.» (همان‌جا)⁵

استاد زرین‌کوب، «تعصب سیاسی و حزبی» را نیز یکی از جهاتی ذکر می‌کند که موجب وضع و اختلاق آثار می‌شد، که «هضت شعوبی نمونه‌ای از تأثیر تعصبات سیاسی را در امر انتساب و انتقال به دست می‌دهد.» (آشنایی با نقد ادبی، ص 137)

این اغراض موجب کم و زیادی اسناد و اشعار و تغییر انتساب‌ها می‌شد، البته در برخی موارد نیز مخاطبان عام «به حکم عادت و ظن و سابقه ذهنی خویش، شعری را که از جهتی با اشعار شاعری شباهت دارد به او نسبت می‌دهند» (همان، ص 139) که کم‌کم در نسخ دواوین شاعران سرایت می‌کند و درج می‌شود و غرضی خودخواسته در میان نیست. همچنین است کار کاتبان، «هر کس با

نسخه‌های گوناگون آثار سلف سر و کار داشته باشد می‌داند، که با تحولات فرهنگی و زبانی جامعه در هر دوره‌ای، کاتبان، بسیاری کلمات و تعبیرات را گاه بر اثر دشواری‌های شنیداری و یا گفتاری و غالباً به تناسب فهم اهل زمانه خود تغییر داده‌اند، ولی این گونه تغییرات، ضرورتاً وجه ایدئولوژیک نداشته است» (نقش ایدئولوژیک نسخه بدل‌ها، ص 96) و «سهوها، اشتباه‌خوانی‌ها، اشتباه‌نویسی‌ها و تداعی‌ها» (نظریه ادبیات، ص 57) به اختیار نبوده است.

درباره رباعیات باید اضافه کرد که «سهولت از بر کردن رباعی و نیز نقلش در مجالس و محافل، موجب اشتباه در نام سراینده می‌شده، به‌ویژه که صوفیان مقید به ذکر نام گوینده نبوده‌اند؛ و رباعیات زیبایی را که به یکی از مضامین عاشقانه و صوفیانه و فلسفی بوده، غالباً به شاعر اجل و فرد اعلای آن معنی و مکتب نسبت می‌داده‌اند؛ و به همین دلیل است که رباعیات منسوب به ابوسعید و خیام از دیگران بیشتر است.» (سیر رباعی در شعر فارسی، ص 167)⁶

این انتسابات اگر در قدیم، توسط مردم یا کاتبان باسواد و بی‌سواد و کم‌سواد، به دلایل پیش گفته صورت می‌گرفت، هم از آن رو بود که وسواس و دقت علمی که امروزه در نقد و تصحیح متون مورد نظر است و تعلیم و تدریس می‌شود، غالباً مورد نظر نبوده، و در نهایت کارشان بی‌توجهاتی-مقبول یا نامقبول- نیست، اما اگر محقق امروز نیز به چنان بی‌دقتی‌هایی دچار شود و در نقل و ذکر انتساب‌ها گرفتار تعلقات حزبی و عقیدتی و سلیقه‌ای و ذهنی خود یا دیگران گردد، دیگر هیچ توجیه و تفسیری ندارد و قابل پذیرش نیست.

باید پذیرفت که مخاطبان و محققان امروز نیز از دایره این تعلقات و بی‌دقتی‌ها خالی نبوده و به صور مختلف مانند بی‌احتیاطی علمی، زودباوری و خوشباوری، عدم استقراء تام در منابع و مآخذ، بی‌اطلاعی یا کم‌اطلاعی از علوم مرتبط با تشخیص و تعیین اصالت نسخ- مانند اطلاعات تاریخی، سبک‌شناسی، انواع ادبی، نقد ادبی، تصحیح انتقادی و زبان‌شناسی- نتیجتاً در همان دامی گرفتار شده‌اند که مخاطبان یا کاتبان قدیم در آن مانده بوده‌اند، که بحث و شواهد در این

دشواری‌های پژوهش
در رباعیات فارسی
با تأکید بر رباعیات
بابا افضل

باره خود مجالی فراخ‌تر می‌طلبد. برای نمونه، یکی از مشکلات محققان امروز را می‌توان روزپسند کردن بزرگان و شعرای قدیم دانست، کاری که برخی از نویسندگان نامدار روزگار ما درخصوص اشعار منسوب به خیام انجام داده‌اند.⁷

ب. دشواری‌های گوینده‌محور

برخی از مشکلاتی که دربارهٔ رباعی و رباعی‌سرایان قدیم وجود دارد، به خود سراینندگان این آثار مربوط می‌شود. و از آنجا که زندگی شخصی و خصوصی و حتی گاه تاریخ تولد و وفات بزرگان رباعی‌سرا به دقت مشخص نیست (از جمله بابا افضل) و اطلاعات تاریخی نیز گاه کمک چندانی نمی‌کند، و ما چون شناختی بیرونی از آفرینندگان آثار نداریم به راحتی نمی‌توانیم آثاری را بدانان منتسب کنیم یا آثار منتسب بدیشان را به راحتی نفی و رد کنیم.

علاوه بر این، عوامل دیگری نیز هست که نقش گویندگان را در این دشواری‌ها برجسته می‌کند، از جمله آنکه برخی از شاعران به دلایل اجتماعی یا شخصی و از روی ترس و احتیاط مایل نبوده‌اند که آثار و اشعارشان را به نام خود منتشر کنند، و از این رو، ما آثاری داریم که بی‌امضاست یا با امضای مستعار منتشر گشته است. (ر.ک: آشنایی با نقد ادبی، ص 136)

و برعکس این ماجرا هم هست، یعنی عده‌ای آثار دیگران را عامدانه یا غیر عامدانه در آثار و دواوین خود آورده‌اند و یا کاتبان و ناسخان، آن اشعار را از پیش خود در متون ملحق کرده‌اند. (همان، ص 140 و 141) برای نمونه، رباعی مشهور «ای نسخهٔ نامهٔ الهی که تویی» که در بسیاری از متون منسوب به بابا افضل هم هست. در کتاب *مرصادالعباد* گاه به نام «مصنّف» و گاه بدون ذکر نام آمده، این رباعی در کتاب *نزهة المجالس* به نام مجد بغدادی، یعنی استاد نجم رازی آمده و استاد ریاحی احتمال داده‌اند که رباعی مذکور یا از نجم رازی است و یا از استادش است و احتمالاً کاتبان آن را به نام شاگرد ثبت کرده‌اند. (ر.ک: *مرصادالعباد*، ص 552 و 391؛ *نزهة المجالس*، ص 141)

مسئله نفوذ و تأثیر یک رباعی خوب یا مشهور و بر سبک و سیاق آن رباعی گفتن نیز دشواری‌هایی در راه انتساب اشعار ایجاد می‌کند. یعنی «اثری که ارزنده باشد، در بین معاصران و آیندگان البته تأثیر می‌بخشد.» (آشنایی با نقد ادبی، ص 166) به عبارت دیگر، «گاهی یک رباعی وقتی گل می‌کند، رباعی‌گویان دیگر نه تنها آن را تقلید می‌کنند، بلکه تقلید را تکرار هم می‌کنند، مثل رباعی معروف "ای دل همه اسباب جهان خواسته گیر"، که گویا سعدی آن را ساخته، ولی در واقع تقلیدی بوده از رباعی اوحدالدین: "ناساخته کار این جهان ساخته گیر" ...، جالب‌تر از آن اینکه خود اوحدالدین که از این طرح خوشش آمده، ده نمونه دیگر از آن پی در پی ساخته» (دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، ص 34) است.

این تأثیر و تأثرات مختلف است، گاه شاعری فکر و محتوای شعر خود را از شاعر گذشته یا معاصرش «فقط به عنوان مبدأ و محرکی تلقی می‌کند و خود به میل و اراده خویش چیز تازه‌ای از آن نمی‌سازد. گاه نیز فکر اساسی را از او می‌گیرد و برخلاف او اظهار رأی می‌کند و این، که معصومانه‌ترین اقسام سرقات محسوب می‌شود، تاریک‌ترین و پیچیده‌ترین مباحث نقد منبع به شمار می‌رود.» (آشنایی با نقد ادبی، ص 165)⁸

به تعبیر استاد زرین‌کوب، «مطالعات منتقدان، امروز تقریباً به این نتیجه رسیده است که هیچ اثری منحصرأ از قلم و فکر امضاکننده آن تراوش نمی‌کند و ابداع ایجاد مطلق و بی‌سابقه اگر به کلی نایاب نباشد قطعاً کمیاب است. از این رو، هیچ شاعر و نویسنده نیست که به سرقت و انتحال متهم نباشد.» (همان، ص 147) مسئله توارد نیز در اینجا مهم است، «مقصود از توارد آن است که دو شاعر بی آنکه شعر یکدیگر را دیده باشند، مضمون واحدی بسرایند و بسا که در الفاظ مشترک باشند.» (همان، ص 160)⁹

مسئله دیگر «تنوع لحظه‌ها و تجارب عرفانی» یک شاعر و حتی تخالف و تضاد آن‌ها با یکدیگر است که موجب و موجد رباعیاتی شده که سبک و ساختار

دشواری‌های پژوهش
در رباعیات فارسی
با تأکید بر رباعیات
بابا افضل

متناقض پیدا کند، و در نتیجه، محقق امروز را دچار سردرگمی و تحیر سازد به حدی که نتوان اصول فکری شاعر را کشف و در پی آن اشعار اصیل را از غیر اصیل جدا ساخت، نمونه این اشعار هم در رباعیات خیام و عطار و اوحالدین و بابا افضل و مولوی دیده می‌شود و هم در اشعار معاصران. از دیدگاه دکتر شفیع کدکنی که این موضوع را درباره رباعیات متنوع و متناقض عطار نیشابوری طرح کرده، یک «عارف در آن سوی لحظه‌های ناب خویش، انسانی است معمولی، و به‌خصوص اگر مذهب‌سالاریِ زمانه او را هم در نظر بگیریم و اینکه با همه آزادگی‌های روحی، بسیاری از اضطراب‌ها و وحشت‌های یک مذهبی دین‌باور متعصب نیز در کنه وجود او، همواره، در کمین کرده‌اند، باید این تناقض‌هایی را که در خلال تجارب روحی او چهره می‌نمایند، بپذیریم و بتوانیم بر اساس روان‌شناسی مؤلف آن را تفسیر کنیم.» (مختارنامه، ص 13)

البته علاوه بر تأثر و تنوع احوال شخصی، تأثیر اوضاع بحرانی و پرتناقض روزگار در شخصیت و در نتیجه سرایش اشعار و رباعیات متناقض‌نما یا متضاد شاعران را نباید دست کم گرفت و از یاد برد.

آخر اینکه امکان استشهاد و استناد به رباعیات مشهور به مقاصد بلاغی و معرفتی نیز نباید فراموش شود، یعنی ممکن است رباعیاتی بر زبان شاعران آمده باشد و حاضران و کاتبان و مریدان بدون پرسش از نام گوینده، آن را به نام آن شاعر و مراد خود ثبت کرده باشند، به‌ویژه آنکه می‌دانیم رباعی شعری مردمی بوده که گاه به علت شدت شیوع و تکرار و یا اشتمال بر اقوال و امثال، حالت ضرب‌المثل و کلمه قصار به خود می‌گرفته، و هم اینکه برخی از بزرگان، همچون حافظ، برای خود سفینه شعر داشته و دائماً با آن مانوس بوده‌اند.

ج. دشواری‌های متن‌محور

برخی از دشواری‌هایی که در امر پژوهش در خصوص رباعیات پیش می‌آید، به مجموعه‌های موجود از آن برمی‌گردد.

در شعر اعم از رباعی و غیر آن، خصایص و شیوه‌هایی معمول است که نثر فاقد آن است؛ به بیان دیگر، ابهام، کنایات و تسامحاتی که در قالب شعر وجود دارد و شاعر مجاز است در قالب نثر مقبول یا معمول نیست، (یجوز للشاعر مالا یجوز لغيره) و از این رو، سبک بیان و افکار موجود در نثر یک نویسنده با شعر او، همیشه یکسان و قابل انطباق نیست؛ و این موضوع، کار را بر محقق که مثلاً می‌خواهد از راه بررسی آثار متثور بابا افضل و استخراج اصول فکری آن، به رباعیات مسلم‌الصدر او پی ببرد بسیار دشوار می‌کند.

محقق سبک‌شناس، در شناخت سبک رباعیات با دشواری‌هایی دیگری نیز رو به روست که کار تعیین اصالت و درستی انتساب را که از وظایف اوست سخت می‌کند، از جمله آنکه ممکن است به علت کمی آثار شعری از یک شاعر (و در نتیجه بسامد اندک ویژگی‌های سبکی) و عدم اعتماد به متون منسوب، تشخیص سبک فردی شاعر به راحتی ممکن نباشد تا پایه بحث در انتساب یا عدم انتساب قرار گیرد؛ و این موضوع در رباعیات بابا افضل جلوه بیشتری دارد.

استاد شفیع کدکنی معتقدند: «در بیشتر قوالب شعر فارسی، همیشه فرم شعر است که بر تجربه شاعرانه تقدم دارد، ولی در رباعی، لحظه و تجربه شعری، غالباً بر فرم مقدم است.» (مختارنامه، ص 12، مقدمه) این موضوع نیز شاید عاملی گردد که تجربه واحد در رباعیات دو شاعر به شکلی مشابه بیان شود، یا یک تجربه مشترک عرفانی یا اخلاقی در شاعران هم‌فکر موجب توارد و اشتراک در لحن و مضمون شود و کار تفکیک و تشخیص آثار را دشوار سازد.¹⁰

نبود یا کمی نسخه‌های معتبر دست اول که به دست خود شاعر یا کاتب هم‌روزگارش نوشته شده باشد، و نبود یا کمی قراین خارجی که مؤید اصالت متن گردد نیز کار محقق معاصر را در یافتن اشعار و رباعیات اصیل از غیر اصیل، دچار دشواری می‌کند. اغتشاش و تشویش و عدم تجانس در رباعیات در غالب مجموعه‌های قدیم نیز وجود دارد (خیام‌شناسی، ص 71) به تعبیر یکی از محققان: «وقتی در مجموعه رباعی‌های مولوی و اوحدالدین کرمانی که نسخ کهن نزدیک

دشواری‌های پژوهش
در رباعیات فارسی
با تأکید بر رباعیات
بابا افضل

به عصر شاعر از آن‌ها موجود است، رباعی‌هایی می‌بینیم که صد سال پیش از آن‌ها در متون کهن‌تر (مثلاً در کشف الاسرار) آمده، چه اعتمادی بر نسخ جدید رباعیات ابوسعید ابوالخیر و خیام و بابا افضل کاشی و آنچه در تذکره‌های متأخر و بی‌اعتبار هندی هست می‌توان داشت.» (نزهة المجالس، ص 68)

بنابراین، وقتی یک رباعی به چند شاعر هم‌دوره، به‌ویژه اگر هم‌مسلك و هم‌فکر و هم‌سبک باشند، منتسب باشد و نسخه‌های قدیم نیز کمکی در رفع مشکل نکند بلکه بر حیرت شخص بیفزاید، کار محقق در تشخیص اصالت رباعیات یا ناممکن می‌شود و به تردید می‌انجامد و یا اینکه در خوشبینانه‌ترین صورت به ظن و احتمال منجر می‌گردد.

اشاره‌ای به دشواری‌های پژوهش در رباعیات بابا افضل

با توجه به آنچه در بخش پیش آوردیم، درباره آثار و به‌ویژه رباعیات بازخواننده و بازمانده از بابا افضل، مشکلات محقق اگر بسیار بیشتر از متون دیگر نباشد کمتر نیست، زیرا به علت اختفای احوال و اختلاف موجود درباره زندگی شخصی او، و حتی درباره تاریخ ولادت و وفاتش، درباره اعتبار نسخ موجود و اصالت آن‌ها چندان به صراحت و صحّت و دقّت نمی‌توان سخن گفت، و تا اطمینان و اصالتی نسبی حاصل نگردد، بسیاری از برداشت‌های تفسیری و تاریخی از اشعار بابا ممکن است ناستوار یا بنایی بر آب، و یا بنایی در سرزمین دیگری (غیر از بابا) باشد. با این همه و علاوه بر مطالب پیش‌گفته در محورهای سه‌گانه که غالباً درباره رباعیات بابا افضل نیز صادق است، بسیاری از رباعیات او در دفتر اشعار یا لابلائی آثار عرفانی- به نظم یا نثر- دیگر نیز موجود است.

برای نمونه، حدود 24 رباعی از حدود 200 رباعی که در مجموعه مصنفات بابا افضل چاپ مینوی- مهدوی (که در نسبت با چاپ‌های دیگر از نسخه معتبرتری مثل نسخه نور عثمانیه مورخ 674 هجری استفاده شده، اما بی‌اما و اگرهای زیاد نیست و البته مشخصات دقیق و کامل برخی نسخه‌ها نیز ذکر

نشده)¹¹ در دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی (شاعر رباعی سرا و هم‌عصر بابا افضل، فوت 635، تاریخ کتابت نسخه 706 هجری) گاه با اندکی تفاوت نقل شده است. یا در مجموعه‌ای که به همت فیضی و دیگران به نام دیوان رباعیات بابا افضل فراهم آمده، تعداد زیادی از رباعیات مشهور با دیگر شاعران مشهور مشاع و مشترک معرفی شده است، حتی در برخی از رباعیاتی که در سه نسخه چاپی از دیوان و یک نسخه خطی متأخر از آن وجود دارد، باز رباعیاتی یافت می‌شود که به افراد دیگری منسوب است و تهیه کنندگان این مجموعه برخی از آن‌ها را در پاورقی نقل کرده‌اند و بسیاری را نیز به علت عدم اطلاع یا چاپ متأخر کتاب‌هایی مثل دیوان اوحدالدین و نزهة المجالس که از آن‌ها نمی‌توانسته‌اند اطلاع داشته باشند، ذکر نکرده‌اند. همچنین است رباعیاتی که با خیام مشترک افتاده و استاد فولادوند در کتاب تحقیقی خیام‌شناسی خود اشاره کرده‌اند. در عین حال، دو رباعی نیز در مجموعه نزهة المجالس به نام بابا افضل یافت می‌شود که در هیچ کدام از چاپ‌های دیوان نیامده است.¹²

البته شاعری بابا مسلم است چون او در مصنفات خود به شاعری خود اشاراتی دارد، از جمله در ضمن مکاتیب خود می‌نویسد: «و موافق این سخن به نظم آمده است در یک دو بیت از قطعه‌ای» (مصنفات، ص 697) نیز برخی اشعار او که به ندرت در ضمن مکتوباتش آمده با مجموعه اشعارش مطابقت دارد.¹³

گفتنی است که برخی از نسخی که در متن یا پاورقی این مقال معرفی شد، موثوق‌تر و قدیمی‌تر از نسخه‌هایی است که در دوره‌های اخیر رباعیاتی را به بابا افضل منسوب داشته‌اند؛ از این رو، انتساب برخی از رباعیات که در مجموعه‌های متأخر (مثل برخی منابع نفیسی و فیضی و دیگران) به بابا افضل صورت گرفته نمی‌تواند، مقرون به صحت و احتیاط علمی باشد.

اما شاید آنچه موجب کم‌توجهی به افکار و آثار بابا و در نتیجه عدم ثبت و کتابت دقیق و فراوان آثارش شده یا در صورت وجود، موجب نابود شدنش

دشواری‌های پژوهش
در رباعیات فارسی
با تأکید بر رباعیات
بابا افضل

گشته، علاوه بر اتهام و انتسابش به عقلی بودن و فکر فلسفی یونانی داشتن (که در قرن شش و هفت با گسترش تصوف و بعد حمله مغول مورد بی‌مهری قرار گرفت) مذهب و مرام عقیدتی بابا باشد که به احتمال زیاد شیعه با گرایشات خفیف باطنی است¹⁴ که خود انگیزه‌ای برای مهجوریت افکار و نیز انزوای شخصی او می‌توانست در حساب آید.¹⁵

شاید گوشه‌گیری و حاشیه‌نشینی جغرافیایی بابا (کم سفر بودن یا شاگرد زیاد نداشتن و در انزوای روستا ماندن) نیز باعث شده باشد آثارش چنان‌که باید به نام او نامبردار نگردد و به انگیزه‌های مختلف (معرفتی و مذهبی و اجتماعی) به دیگرانی که شهرت بیشتری داشتند، بازخوانده شود.

نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله آمد، هرچند بیشتر بیان دشواری‌های پژوهش در رباعیات بود، اما با رویکردی علمی و انتقادی هر اندازه بتوان از این دشواری‌ها کاست، کار محقق آسان‌تر و نتایج تحقیقش بیشتر مقرون به صحت و اصالت خواهد بود و از مرحله تردید به ظن و از ظن به ظن قریب به یقین خواهد انجامید، به‌ویژه اگر در آینده، نسخه یا نسخه‌های از رباعیات بابا افضل یافت شود که به روزگار حیاتش نزدیک‌تر باشد و شاعران کمتری با او سهم باشند.

عجالتاً اگر با احتیاط علمی به بررسی شواهد و قراین موجود درون‌متنی یا نقد داخلی (سبک‌شناسی رباعیات با معیارهای علمی و بررسی تکرار مضامین و افکار در آثار مختلف، توجه به تصریحات شاعر، و عدم تناقض) و برون‌متنی یا نقد خارجی (بررسی اسناد و شواهد بیرونی و صحت و تعدد و تقدم نسخه‌ها با استقراء تام، و دقت و بررسی پیرامون گوینده و اقوال معاصران و مورخان و تذکره‌نویسان هم‌روزگار یا نزدیک به عصر شاعر و تحلیل منطقی آنها) و نیز تطبیق و ترکیب اطلاعات درونی و بیرونی آنها با یکدیگر اقدام شود، برونشوهایی برای رهایی از دشواری‌های پیش‌گفته پیدا می‌شود، هرچند که نتایج

به دست آمده در نهایت همه تردیدها را نتواند رفع نکند، اما در برخی موارد می‌تواند ابهاماتی را رفع سازد و موجب ظن یا حتی ظن قریب به یقین گردد. (رک: تاریخ در ترازو، ص 113 و 114) و باید بدانیم که اگر ما همه مدارک و نسخ و قراین تاریخی را تنها به اعتبار کم‌اعتباری طرد و نفی کنیم، هرگز تحقیقی تاریخی که از هرگونه شائبه‌ای به دور باشد، صورت تحقق نخواهد پذیرفت.¹⁶ و در نهایت گاه «بسیاری از چیزها را باید به حدس منتقد و ذوق و شمّ زبانی او» (نظریه ادبیات، ص 57) وا گذاشت.

پی‌نوشت‌ها:

1. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: مقدمه شفيعی کدکنی بر *مختارنامه*، مقدمه ریاحی بر *نزهة المجالس*، مقدمه باستانی و ابومحبوب بر *دیوان رباعیات اوحدالدین* و کتاب *سیر رباعی شمیسا*.
 2. «اصطلاح "سرگردان" یا "آواره" که بعضی از خاورشناسان برای بعضی از رباعیات منسوب به خیام به کار برده‌اند، از آن روست که به دشواری می‌توان درباره انتساب و ارتباط آن‌ها با یک شاعر معین به طور قطع و یقین اظهار نظر کرد.» (آشنایی با نقد ادبی، ص 140)
 3. «در قرن‌های ششم و هفتم، در عصر سلجوقی و خوارزمشاهی که شعر فارسی جا افتاده بود، و کاربرد قالب‌های گونه‌گون شعری مورد آزمایش قرار گرفته بود، به این نتیجه رسیده بوده‌اند که رباعی بیشتر با نیازهای ادبی جامعه سازگار است. عوفی در *لباب الالباب* در ذکر بیشتر شاعران تصریح دارد که تنها رباعی می‌سروده‌اند...» (نزهة المجالس، ص 53)
 4. مانند این رباعی که انتسابش از دید محققان، مردود و ساختگی بودنش قطعی است. (افضل‌نامه، مقاله «شناخت‌نامه افضل‌الدین کاشانی»، ص 212)
- گر مهر علی در دل و جانست نبود از دین محمدی نشانت نبود
اثنا عشری اگر نباشی به یقین از دوزخ سوزنده امانت نبود
5. نیز رجوع کنید به مقاله «نقش ایدئولوژیک نسخه‌بدل‌ها» از شفيعی کدکنی که نمونه‌های متعددی از نقش ایدئولوژی کاتبان و مردم در تغییر و تحولات نسخه‌ها، با تمرکز در نسخه‌های آثار عطار بحث شده است.

دشواری‌های پژوهش
در رباعیات فارسی
با تأکید بر رباعیات
بابا افضل

6. «گر ... در هر دوره بعضی از این رباعیات خوب، برای بالابردن سطح دیوان یک گوینده، وارد دیوان او شده، گوینده اصلی خود را به فراموشی سپرده‌اند، و چون چاپ و تکثیر وجود نداشته، خیلی زود جا افتاده‌اند، بعدها همین عمل تکرار شده و بالتبقیه بسیاری از این رباعیات دارای چند گوینده... شده‌اند، و وقتی که خیام با آن افکار بلند به رباعی‌گویی شهرت یافت، همه رباعیات خوب، توسط کاتبانی که می‌خواستند رباعی بیشتر از خیام عرضه کنند، یا اصولاً به دلیل ناشناخته بودن صاحبانشان، شهرت پیدا کردند به اینکه خیام یا مولوی یا شیخ ابوسعید... هستند، و بالتبقیه یک بلبشویی در مورد رباعیات در زبان فارسی پدید آمد، که دقیق‌ترین رایانه‌های عالم نیز از حل مسئله آن عاجز است. نتیجه آنکه اگر یک گوینده یک یا چند رباعی خوب گفته بود و صد رباعی متوسط- آن چند رباعی خوب او از چنگش خارج شد و به دیوان خیام رفت تا او را صاحب هزار و گاهی دو هزار رباعی سازد، و برای گوینده واقعی آن تنها همان صد رباعی متوسط باقی ماند، که به تدریج در تحریر و استنساخ دیوان، آن تعداد نیز- به علت ذوق و نظر خطاط و ناسخ- رو به کاهش رفت، و بسیاری فراموش شد.» (دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، ص 33)

7. در این خصوص بنگرید به انتقاد دکتر فولادوند در کتاب *خیام‌شناسی* (ص 54 به بعد) به برخی از معاصران، به‌ویژه صادق هدایت در کتاب *ترانه‌های خیام*.

8. مانند رباعی منسوب به خیام که می‌گوید:

اجزای پیاله‌ای که در هم پیوست بشکستن آن روا نمی‌دارد مست

چندین سر و پای نازنین و سر دست از بهر چه ساخت وز برای چه شکست

و ظاهراً بابا افضل در جواب گفته است:

تا گوهر جان در صدف تن پیوست وز آب حیات گوهری صورت بست

گوهر چو تمام شد صدف را بشکست بر طرف کله گوشه سلطان بنشست

(مصنّفات، ص 755)

و نیز این رباعی:

ترکیب عناصر ار نگشتی کم و کاست صورت بستی که طبع صورتگر ماست

بفزود و بکاست تا بدانی ره راست کاین عالم را مصوّر کامرواست

(همان، ص 746)

9. البته «مثل اینکه این توارد و گاهی تداخل و تجانس رباعیات در میان اهل اطلاع و تذکره‌نویسان و شعرا تا حدودی مجاز شمرده شده و کم و بیش از آن با دیده‌تساهل گذر کرده‌اند.» (دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، ص 35)

10. «از نظر ما، تجربه‌ی زبانی و تجربه‌ی روحی دو روی یک سکه‌اند و غیر قابل تفکیک از یکدیگر.» (مختارنامه، ص 13)

11. رباعیات به شماره‌های 2، 14، 49، 51، 58، 81، 82، 100، 102، 104، 110، 113، 117، 123، 127، 131، 139، 153، 155، 160، 171، 179، 182 و در ص 685 متن کتاب *مصنّفات*، شعری با مطلع "با یار بگفتم به زبانی که مراست".

12. *نزهة المجالس* (ص 488) به اسم افضل کاشی:

بس رشک که سرمه راست بر خاک درت از بس که بسود چشم مر خاک درت
زنده به هوای عشق توست آتش دل ای آب حیات مرده در خاک درت
و همان کتاب (ص 657) و با همان نام:

تا کار شب تیره به رونق گذرد از دامن من اشک به راق غذرد
چون روز آید خیالش از دیده‌دل در آب دو چشم من به زورق گذرد

13. نیز برای اطلاع از دیگر رباعیات مشاع مراجعه شود به *مصنّفات* چاپ مینوی-مهدوی (ص 676-678)؛ مقدمه فیضی و دیگران بر *دیوان بابا افضل*؛ کتاب *سیر رباعی* از دکتر شمیسا (ص 170-172) که به معرفی نُه رباعی سرگردان پرداخته است که به نام بابا و دیگر شاعران شهرت دارد؛ تعلیقات استاد ریاحی بر کتاب *مرصادالعباد* (ص 552) و معرفی هشت رباعی مشترک نجم رازی و بابا افضل، و نیز مقدمه و پاورقی‌های ایشان در کتاب *نزهة المجالس* (به‌ویژه در صفحات 58، 141 و 253) - نسخه موجود از این کتاب مورخ 731 یعنی حدود 110 سال بعد از مرگ بابا افضل است و شامل چهار هزار رباعی برگزیده از 291 شاعر قرن‌های چهارم تا هفتم قمری است. همچنین برای اطلاع از اشعار دیگر بابا رجوع کنید به مونس *الاحرار* جاجرمی (تاریخ کتابت 741) که شش غزل بابا افضل را برای اولین بار نقل کرده است.

14. اتهام او به مذهب اسماعیلیه، زمینه یا قرینه‌های معدودی در *مصنّفات* نیز دارد، از جمله توجه به باطن و تاویل امور، و پیروی از سبک و محتوای برخی آثار فلسفی و عقلی ناصر

دشواری‌های پژوهش
در رباعیات فارسی
با تأکید بر رباعیات
بابا افضل

خسرو، البته برخی شواهد تاریخی و بیرونی مانند شاگردی خواجه نصیر از شاگرد باطن‌گرای بابا افضل (مرصادالعباد، ص 552) نیز قابل ذکر است. همچنان که این بلا بر سر ناصر خسرو آمد و بسیاری از آثارش تاریخی متأخر دارد و خود نیز در انزوای جغرافیایی و فکری هم‌روزگاران‌ش واقع شد.

15. زیرا «تاریخ، جز علم رسیدگی به همین اسناد درست یا نیمه درست چیز دیگر نیست، تاریخ گذشته تاریک است؛ ولی تنها نوشته و سند است که به این تاریکی بهت‌آور کمی روشنایی می‌بخشد.» (خیام‌شناسی، ص 52)

منابع

- آشنایی با نقد ادبی؛ عبدالحسین زرین‌کوب، چ 2، سخن، تهران، 1372.
- افضل‌نامه (مجموعه مقالات)؛ حسین قربان‌پور آرانی، مقاله «شناخت‌نامه افضل‌الدین کاشانی»، ویلیام چیتیک، چ 1، نهفت، اصفهان، 1389.
- تاریخ در ترازو؛ عبدالحسین زرین‌کوب، چ 3، امیرکبیر، تهران، 1370.
- خیام‌شناسی؛ محمد مهدی فولادوند، چ 1، الست فردا، تهران، 1378.
- دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی؛ اوحدالدین کرمانی، به کوشش احمد ابومحبوب و با مقدمه باستانی پاریزی، چ 2، سروش، تهران، 1366.
- دیوان رباعیات؛ افضل‌الدین محمد کاشانی، مصطفی فیضی و دیگران، چ 1، زوار، تهران، 1363.
- سیر رباعی در شعر فارسی؛ سیروس شمیسا، آشتیانی، تهران، 1363.
- مختارنامه؛ فریدالدین عطار نیشابوری، تصحیح و مقدمه محمد رضا شفیعی کدکنی، چ 2، سخن، تهران، 1375.
- مرصادالعباد؛ نجم رازی، تصحیح محمدامین ریاحی، چ 3، علمی و فرهنگی، تهران، 1366.
- مصنفات؛ افضل‌الدین محمد کاشانی، تصحیح مجتبی مینوی و یحیی مهدوی، چ 2، خوارزمی، تهران، 1366.
- مونس الاحرار فی دقایق الاشعار؛ محمد بدر جاجرمی، به اهتمام میرصالح طیبی، انجمن آثار ملی، تهران، 1350.

فصلنامه
کاشان‌شناخت
شماره هفتم و هشتم
پاییز و زمستان 88

- نزهة المجالس؛ جمال خلیل شروانی، تصحیح و تحقیق محمدامین ریاحی، چ 2، علمی، تهران، 1375.

- نظریه ادبیات؛ رنه ولک و اوستن وارن، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، چ 1، علمی و فرهنگی، تهران، 1373.

- «نقش ایدئولوژیک نسخه بدل‌ها» محمدرضا شفیعی کدکنی، مجله بهارستان، سال پنجم، شماره 1 و 2، دفتر 9 و 10، بهار و زمستان 1383، ص 93-110.



دشواری‌های پژوهش
در رباعیات فارسی
با تأکید بر رباعیات
بابا افضل

